



معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی
گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه
نگارش پایه نهم

درس هشتم (نوشته را ویرایش کنیم.)

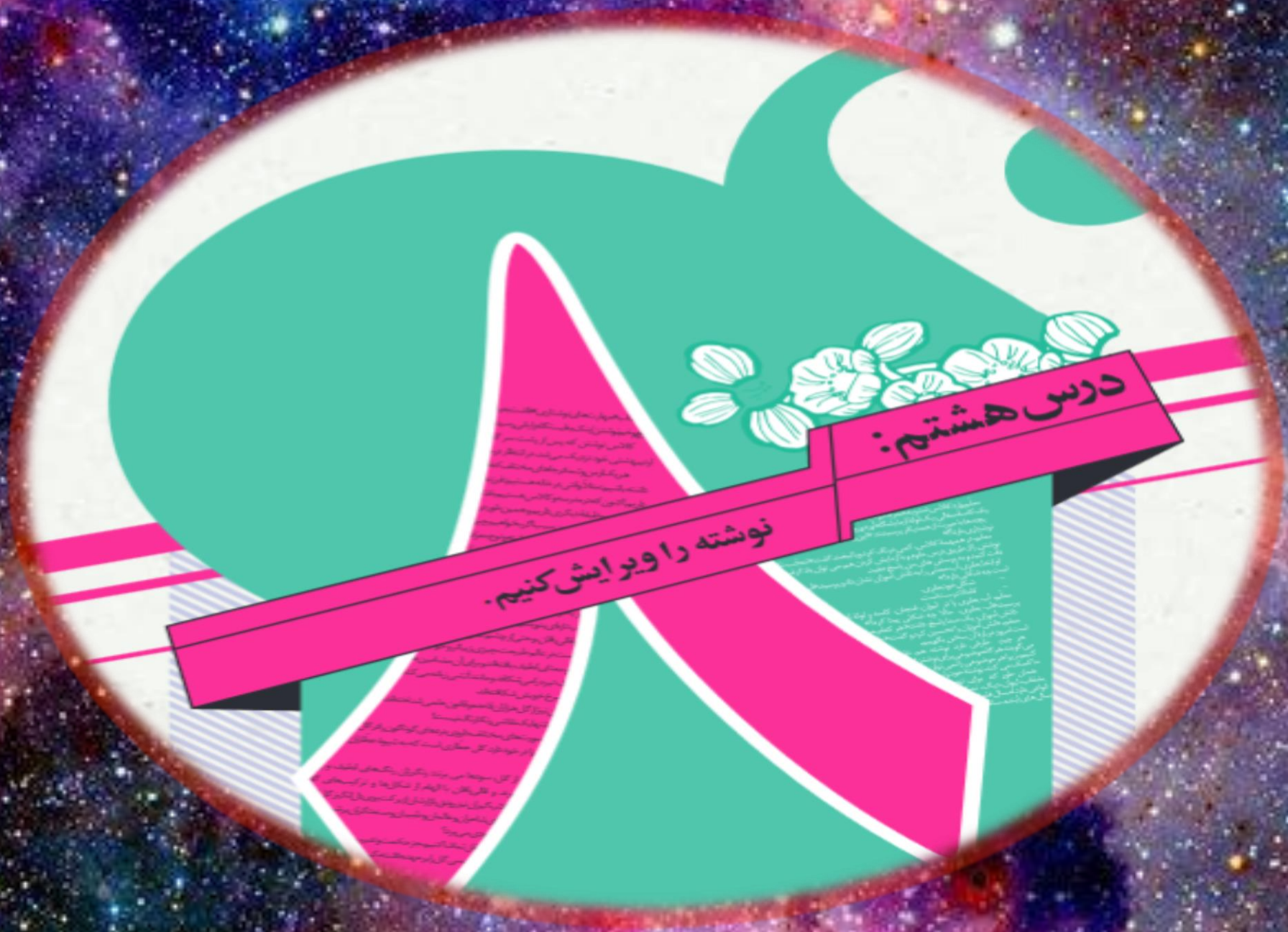
مدرس: هدیه مرادی

با نظارت علمی سرگروه آموزشی، آقای ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۳۹۹ - ۱۴۰۰





درس هشتم:

نوشته را ویرایش کنیم

درس هشتم

جلسه اول

فعالیت نگارشی یک

تدریس درس

چکیده درس هشتم

مراحل نوشتن:

مرحله اول:

مرحله آفرینش یا آزاد نویسی: که در آن به هیچ وجه نباید به مسائل ویرایشی فکر کرد. در این مرحله اجازه می دهیم، هر چه به ذهنمان می رسد، روی کاغذ بیاید.

مرحله دوم:

در مرحله پیراسته نویسی یا بازبینی نوشته: در این مرحله، نوشته را غربالگری می کنیم و به مسائل ویرایشی (املا، دستور زبان، نقطه گذاری و پاکیزه نویسی) توجه می کنیم. ویرایش کردن از گام های پایانی نوشتن است.

گام های نوشتن

گام اوّل:

انتخاب
موضوع

گام دوم:

تفکّر و
اندیشیدن
(نقشه ذهنی
نوشتن؛
یعنی
طراحی
بخش های
آغازین،
میانی و
پایانی)

گام سوم:

خوشه
سازی و
طبقه بندی
موضوع

گام چهارم:

نوشتن
بدون توجه
به مسایل
ویرایشی
(پیش
نویسی)
آزاد
نویسی

گام پنجم:

خواندن
متن با
صدای بلند،
فرصتی
برای گوش
دادن و تأمل
در نوشته

گام ششم:

ویرایش و
پالایش
نوشته
(اصلاح
غلط های
املائی،
اشتباهات
دستوری،
نشانه
گذاری
کاهش یا
افزایش
(متن)

گام هفتم:

پاک نویسی،
حاشیه
گذاری و
تمیز
نویسی

معلم، کتابی را که در دست داشت، به دانش‌آموزان نشان داد. روی جلد کتاب نوشته شده بود: «داستان نویسی». با دیدن این نام، چند نفر از دانش‌آموزان گفتند: «آه، فهمیدیم، موضوع درس ما داستان‌نویسی است».

معلم، لبخندی زد و گفت: «نه، عجله نکنید، قرار نیست دربارهٔ هنر داستان‌نویسی چیزی بگوییم. من قسمتی از این کتاب را می‌خوانم، پس از آن خواهید فهمید که موضوع چیست».

بعد، کاغذ تا شده‌ای را که میان کتاب گذاشته بود، بیرون آورد و از همان‌جا خواندن را آغاز کرد:

◀ بسیاری از نویسندگان، خیلی زود و پوست کنند، به شما خواهند گفت که اولین پیش‌نویس اثرشان، جفایی در حق بشریت است؛ اما آنها به هر حال، این پیش‌نویس اول را می‌نویسند، چون هیچ‌کس نمی‌تواند بدون نوشتن پیش‌نویس اول، نسخه یا پیش‌نویس دومی بنویسد.

اکثر نویسندگان در دو حالت متفاوت، کار می‌کنند:

۱. حالت خلاق.

۲. حالت ویرایشی.

در حالت خلاق، شما به خودتان اجازهٔ امتحان کردن کارهای جدید را می‌دهید و در عین حال به این مسئله آگاهید که این کارها ممکن است درست باشد یا ممکن است نادرست باشد. مزخرف نوشتن در حالت خلاق، اشکالی ندارد. پس سعی کنید وقتی خلاق هستید، کمی در نوشتن، دیوانگی کنید.

در حالت ویرایشی، هدف شما جمع‌وجور کردن اقتضاحی است که در حالت خلاق به بار آورده‌اید. در این حالت، شما آنچه را نوشته‌اید، جوری بازنویسی و اصلاح می‌کنید که معنی بدهد.

خشکی قلم و ناتوانی در نوشتن، زمانی اتفاق می‌افتد که نویسنده سعی می‌کند، هم‌زمان در دو حالت خلاق و ویرایشی بنویسد. هرگز این کار را نکنید. این کار مثل این است که موقع رانندگی یک پا را روی گاز بگذارید و با پای دیگر ترمز بگیرید.

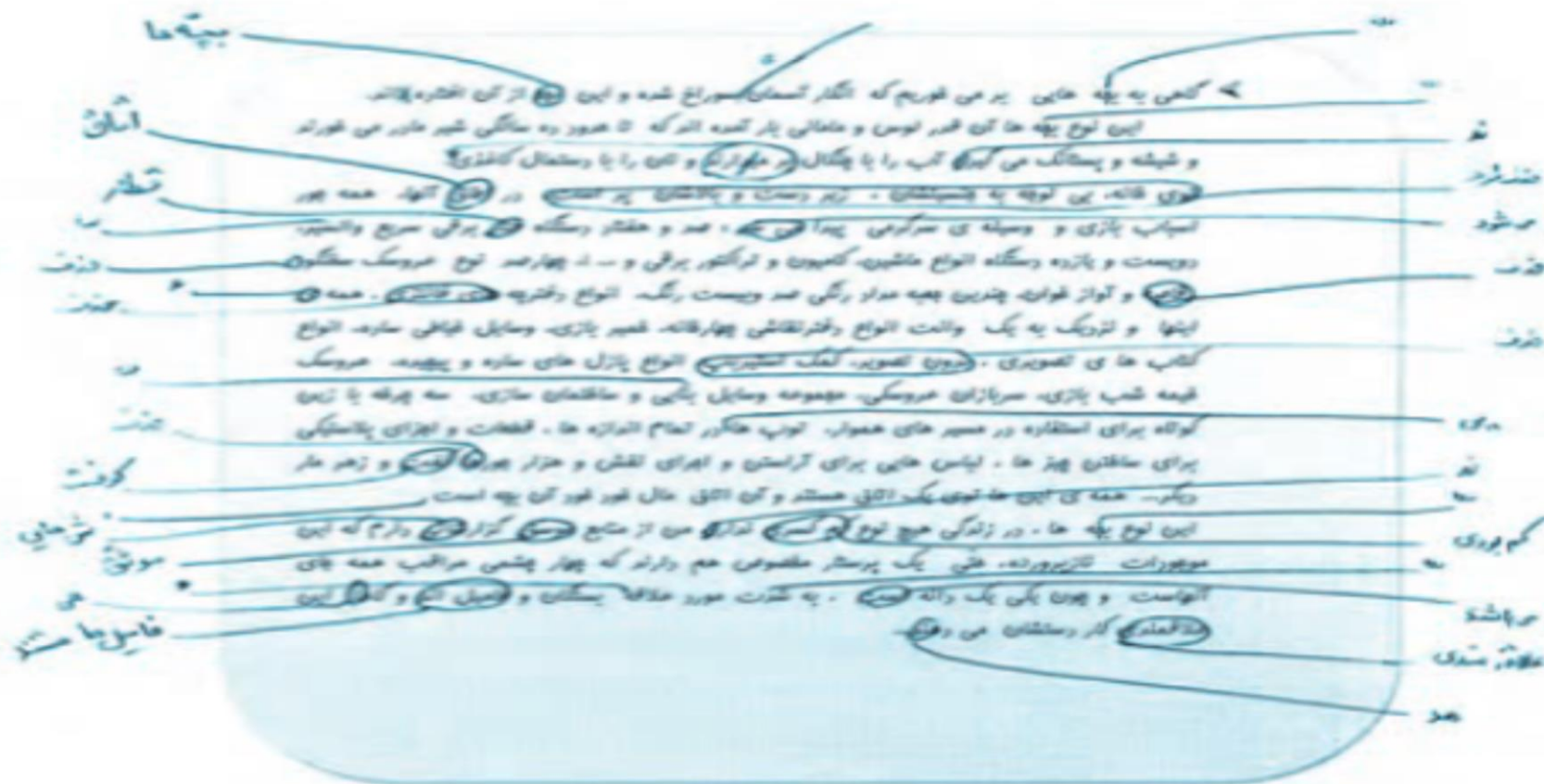
به خودتان اجازه دهید، پیش‌نویس اولیه بدی بنویسید و این جمله را روی یک تکه کاغذ بنویسید: «من اختیار تام دارم که یک پیش‌نویس چرند بنویسم؛ چون پیش‌نویس اکثر نویسندگان، چرند هستند؛ ثبوت به اصلاح که رسید؛ درستش می‌کنم».

◆ داستان‌نویسی

دانش‌آموزان، همچنان در حال و هوای این نوشته بودند که معلم، کتاب را بست و گفت: «اکنون که توانایی نوشتن را کسب کرده‌ایم، باید قادر باشیم متن نوشته خود را ویرایش و پالایش کنیم تا خواننده با میل و رغبت بیشتری آن را بخواند. در متنی که خواندیم، نویسنده با زبان طنز، با صراحت تأکید می‌کند، «نوشتن» دو مرحله دارد: مرحله اول، مرحله آفرینش یا آزادنویسی است که در آن، به هیچ وجه نباید به مسائل ویرایشی فکر کرد و مرحله دوم، زمان بازبینی نوشته یا پیراسته‌نویسی است. در مرحله آزادنویسی، اجازه می‌دهیم، هرچه به ذهنمان می‌رسد روی کاغذ بیاید و در مرحله پیراسته‌نویسی، نوشته را غربال می‌کنیم.

تأکید ما هم این است که هنگام بارش فکری و نخستین مرحله نوشتن، به مسائل ویرایشی (املا، دستور زبان، نقطه‌گذاری و پاکیزه‌نویسی) کمتر توجه شود. پرداختن به این گونه مسائل در مرحله آزادنویسی، همچون افتادن در دست اندازه‌هایی است که در مسیر یک جاده صاف و هموار ایجاد می‌شود. اگر شما هنگام نوشتن، ویرایش کنید یا یک جمله بنویسید و به عقب برگردید و آن را بخوانید و از خودتان بپرسید، «این جمله خوبی است؟ نگهش دارم یا خطش بزنم؟...» احتمال دارد، هیچ وقت آن گونه که مناسب است، نوشته خود را تمام نکنید. البته مقصود ما بی‌اهمیت بودن مسائل ویرایشی نیست؛ بلکه توجه به جایگاه و زمان مناسب ویرایش است؛ یعنی ویرایش کردن از گام‌های پایانی نوشتن است.

اکنون، اولین نگاشت (پیش‌نویس) ویرایش شده یک نوشته را با هم می‌خوانیم و بعد درباره آن با همدیگر سخن می‌گوییم:



بعد، معلم به دانش آموزان گفت: متنی که خواندیدم، اولین نگاشت نویسنده است. همان طور که ملاحظه می‌کنید، نویسنده در مرحله آزادنویسی:

- ♦ به ذهن خود آزادی کامل داده تا بیافریند.
- ♦ به هیچ یک از لغزش‌های دستوری و نگارشی توجه نکرده است.
- ♦ برخی از نشانه‌های ویرایشی را به کار گرفته، علامتی را ننوشت یا اشتباه به کار گرفته است.
- ♦ واژه‌ای را خط‌زده یا جابه‌جا کرده است.
- ♦ به ظاهری نوشته (پاکیزه‌نویسی، حاشیه‌گذاری و...) توجه چندانی ندانسته است.

بعد از سخنان معلم یکی از دانش آموزان پرسید: «آیا بعد از تمام شدن نوشته، فوراً باید دست به کار شد و نوشته را ویرایش کرد؟»
 معلم، در جواب گفت: «پرسش خوبی است. شما می‌توانید بی‌درنگ برگردید و نوشته را ویرایش کنید؛ اما توصیه همه نویسندگان این است که بعد از تمام شدن نگاشت اول، بهتر است مدتی سیری شود تا از آن حس و حال بیرون بیایید؛ سپس، نوشته خود را ویرایش کنید.»
 یکی دیگر از دانش آموزان پرسید: «چگونه باید ویرایش کنیم؟»
 معلم گفت: برای ویرایش و پالایش نوشته خود، به ترتیب زیر، عمل می‌کنیم:

- ◆ ۱. نوشته را با صدای بلند می‌خوانیم.
 - ◆ ۲. هم زمان بخش‌های اضافی نوشته و جاهایی را که پراکنده گویی کرده‌ایم، حذف می‌کنیم.
 - ◆ ۳. چیزی را که از قلم انداخته‌ایم، به نوشته می‌افزاییم.
 - ◆ ۴. خطاهای املايي نوشته را درست می‌کنیم.
 - ◆ ۵. لغزش‌های نگارشی نوشته را اصلاح می‌کنیم.
 - ◆ ۶. واژگان و عبارت‌های گفتاری را به زبان نوشتار معیار پرمی‌گردانیم.
 - ◆ ۷. نشانه‌های نگارشی مناسب را در متن به کار می‌گیریم.
 - ◆ ۸. نوشته را از آغاز تا انجام، پاک‌نویس می‌کنیم.
- پرکاربردترین نشانه‌های نگارشی عبارت‌اند از:
- نقطه (.)
 - در پایان جمله‌های خبری و امری. مانند: **هوای شهر دلپذیرتر شده است.**
 - ویرگول یا درنگ‌نما (،)
 - میان عبارت‌ها برای مکث و درنگ. مانند: **باغبان به پرورش گل، عشق می‌ورزد.**
 - میان عبارت‌ها به جای «و» عطف. مانند: **محمد کتاب، قلم، دفتر و کیف خرید.**
 - پس از منادا. مانند: **خدایا، تو را سپاس که به من فرصت نوشتن عطا فرمودی.**
 - نشانه پرسش (?)
 - در پایان جمله‌های پرسشی. مانند: **چرا هر چهره‌ای با لبخند زیباتر است؟**
 - دو نقطه (:)
 - قبل از نقل قول. **حکما فرموده‌اند: «سه چیز است که اندک آن را باید بسیار شمرد: وام و آتش و بیماری.»**

● سه نقطه (...)

● برای نشان دادن بخش‌های حذف شده نوشته. مانند: ادبیات، ریاضی، علوم، و ... همه در رشد انسان مؤثر هستند.

معلم، با لحنی عاطفی و صمیمانه، رو به دانش‌آموزان کرد و گفت: «دیگر تمام شد. اکنون، دوره متوسطه اول را به پایان می‌بریم. من اینجا می‌مانم و شما به کلاس بالاتر می‌روید. خوشحالم که در این سه سال، با هم بودن را تجربه کردیم و از همدیگر چیزها آموختیم. راه نوشتن ادامه دارد و راه‌جویان فراوان اند. اگر راز نوشتن را از من بخواهید، شاید بتوان آن را در چهار واژه خلاصه کرد: بخوانیم، بنویسیم، بنویسیم، بنویسیم. این راز را به‌خاطر بسیاری و به‌کار بگیرید و گام‌به‌گام در راه نوشتن پیش بروید و با نوشتن، بودن و سرودنتان را فریاد بزنید. خدا نگهدار».

♦ به نظر شما چه بخش هایی از نوشته زیر، قابل ویرایش است؟ آنها را فقط مشخص کنید.

نقش های ما

صحنه زندگی کردن، خودش یک صحنه نمایش است. در نمایش زندگی، جهان صحنه و ما بازیگر هستیم.

از روزی که پا بر صحنه نمایش زندگی می گذاریم، مجبوریم نقش های مختلفی را بپذیریم؛ نقش کودک دبستانی، پیه نوجوان قریز و فعال، فرزندی پر افتخار برای خانواده، همسری پرتلاش و وفادار، پدر یا مادری دلسوز و مهربان، یک شهروند منظم و مسئول، نقش پیه آدم پیروز، پیه آدم شکست خورده و هزاران نقش دیگر.

در نمایش زندگی، شاید خود نقش، مهم تر است، مهم اجرای موفق نقش است. وقتی شکست می خوریم، نقش آدم شکست خورده را طوری پیش ببریم که به پیروزی ختم بشود. وقتی پیروز می شویم، خوشحال باشیم؛ ولی نقش را جوری پیش ببریم که اخلاق و جواهری را از یاد نبرند. نبریم.

هرمند واقعی کسی است که در نمایش زندگی ایفای نقش کند. در اوج قدرت، دست افتاده ای را بگیرد. در زمان افتادگی، بزرگی و بلند نظری خود را از یاد نبرد. گاهی گاهی گاهاً فریاد برآورد و گاهاً سکوت کند.

هر صحنه طویل و بزرگ و وسیع و پین زنده گی، نقش های زیادی پیش می آید که ما مجبوریم به پذیرفتن آن نقش ها. برخی نقش ها را هم مجبور به پذیرفتن آن نیستیم. ما مجبور هستیم، آن نقش ها را بپذیریم و برخی نقش ها را هم مجبور نیستیم، بپذیریم.

درس هشتم

جلسه دوم

درست نویسی

فعالیت نگارشی سه

فعالیت نگارشی دو

◀ شبی یک هواپیمای دو موتوره در آسمان نیوجرسی پرواز می‌کرد که ناگهان، دستگاه مولد اکسیژن آن، با صدای گوشخراشی منفجر کرد. هواپیما پنج سرنشین داشت. ۱. خلبان. ۲. دلایی لاما (برنده صلح نوبل)، ۳. شکیل اونیل (بازیکن بسکتبال مشهور در آمریکا)، ۴. بیل گیتس (طراح و رئیس سابق مایکروسافت) ۵. یک جوان کم سنّ و سال. هواپیما داشت سقوط می‌کند که خلبان پرید توی قسمت مسافرها و گفت: «آقایون، هواپیما دارد سقوط می‌کند. ما فقط چهارتا چتر نجات داریم که یکی‌اش هم مال من است. بعد، در هواپیما را باز کرد و با چتر نجاتش بیرون پرید.

بعد از خلبان، شکیل اونیل، از جا پرید و گفت: «آقایان، من مشهورترین ورزشکار دنیا هستم، جهان به ورزش کارهای بزرگ واقعاً احتیاج دارد، پس یکی از این چترها به من می‌رسد» بعد یکی از سه چتر باقی مانده را قاپید و خودش را از در هواپیما پرت کرد بیرون».

در همین موقع بیل گیتس با دستپاچگی از جا بلند شد و با حالت التماس گفت آقایان، من با هوش‌ترین آدم روی کره زمین هستم، دنیا به آدم‌های باهوش احتیاج دارد. آن وقت بسته ای را قاپید و از هواپیما بیرون چُست.

حالا فقط یک چتر باقی مانده بود. دلایی لاما و جوان کم سنّ و سال نگاهی به همدیگر کردند؛ اما چیزی نگفتند. بالاخره دلایی لاما به حرف آمد و گفت: «پسرم من عمر خودم را کرده‌ام. و شیرینی زندگی را چشیده‌ام، ولی تو هنوز جوان هستی، چتر نجات را بردار و بیرون. من توی هواپیما می‌مانم اما جوان کم سنّ و سال با خونسردی لبخندی زد و گفت: «غصّه نخور پدر جان، ما اکنون دو تا چتر نجات داریم؛ چون با هوش‌ترین آدم روی کره زمین، اشتباهی کوله پشتی مرا برداشت و بیرون پرید».

◆ نقل از: اسرار و ابزار طنز نویسی

تکلیف

متن ویرایش شده (بازنویسی شده) یکی از دوستانتان را برگزینید، با متن اولیه تطبیق دهید و با سنجه های زیر ارزیابی کنید.

سنجه های ارزیابی :

- ♦ داشتن پیش نویس
- ♦ داشتن پاک نویس (رعایت علائم نگارشی، املا صحیح واژگان، درست نویسی، خط خوش)
- ♦ شیوه خواندن

♦ الف) چون درس‌های خود را به موقع خواند، همه آزمون‌هایش را با موفقیت سیری کرد.

♦ ب) به دلیل خواندن به موقع درس‌های خود، همه آزمون‌هایش را با موفقیت سیری کرد.

جمله «الف» درست است. جمله «ب» به سبب حذف فعل و استقاده قراوان از نقش‌نمای اضافه (-) ، طولانی و دشوار شده است. جمله‌های کوتاه و ساده، ارتباط و درک را آسان می‌کنند، اما جمله‌ها و عبارت‌های بلند، نفس‌گیر هستند و خواندن و دریافت مفهوم را دشوار می‌کنند. بهتر است از کاربرد جمله‌های بلند، پرهیز کنیم.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ پس از نوشتن تکالیف قراوان درس ریاضی، سراغ خواندن شعر رفتیم.

تکالیف قراوان درس ریاضی را نوشتیم سپس سراغ خواندن شعر رفتیم.

♦ به دلیل طولانی شدن سرمای فصل زمستان سردامسال، آمدن بهار به تأخیر افتاد.

چون امسال سرمای فصل زمستان طولانی شد، آمدن بهار به تأخیر افتاد.

درس هشتم



جلسه سوم



حکایت نگاری

تکلیف دانش آموز

حکایت نگاری

حکایت زیر را بخوانید و به زبان ساده، بازنویسی کنید.

حکایت:

شخصی به عیادت مریضی رفت. بسیار بنشست و نقل جا کرد. در آخر از مریض پرسید: «از چه دردی می نالی؟» بیمار گفت: «از زیاد نشستن توه».

کنکول شیخ بهایی

بازنویسی:

دیایتش

الهی

الهی، ای بوده و هست و بودنی، ای گشاینده زبان های مناجات گویان،
جز از یاد تو ما را همراه نیست، راهم نمای به خود.

لطیقا، یاد تو دل را زنده کرد و تخم مهر افکند: درخت شادی رویانید
و میوه آزادی داد: به فضل خود، ما را یاد کن و به لطفی ما را شاد کن.

مهربانا، به اصلاح آر که نیک بی سامانیم: جمع دار که بس پریشانیم.
ملکا، نگاه دار تا پریشان نشویم: بر راه دار تا سرگردان نشویم، پیاموز
تا سِر دین بدانیم: برافروز تا در تاریکی نمائیم.

حکیم، دانایی ده تا از راه نیقتیم، بینایی ده تا در چاه نیقتیم.
کریم، مگوی که چه آورده ای که دروا شویم: میرس که چه کرده ای
که رسوا شویم.

خداوندا، ما را از سه آفت نگاه دار: از وساوس شیطانی، از هوای نفسانی
و از غرور نادانی.

الهی، عذرها بیذیر و بر عیب های ما مگیر!

جز خدمت روی تو ندارم هوسی من بی تو نخواهم که برآرم نقسی

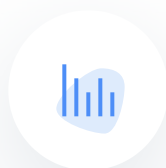
♦ مجموعه رسائل، خواجه عبدالله انصاری

در پناه حق شاد و پیروز باشید!



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد